

نقش و جایگاه گروه‌های شیعه در ساختار سیاسی عراق

پس از فروپاشی (۲۰۱۵ - ۲۰۰۳)

فیروز نجفی* / حسین مسعودنیا**

سید جواد امام‌جمعه‌زاده*** / حمید نساج****

چکیده

با سرنگونی رژیم بعث عراق در آوریل ۲۰۰۳ م، عراق به دوران جدیدی قدم نهاد و تحولات گسترده‌ای را پشت سر گذاشت. این تحولات، افزون بر تغییرات گسترده داخلی، تأثیرات منطقه‌ای بسیاری نیز با خود به همراه داشته است. در سطح داخلی، احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی از قومیت‌های مختلف عراقی، اقدام به ایفای نقش سیاسی در صحنه سیاسی عراق نموده‌اند. شیعیان، اهل سنت و کردها سه گروه اصلی قومی - مذهبی با گرایش‌های متفاوت در عراق بودند که در مجادله قدرت و سیاست در صحنه عراق فعال شدند. شیعیان عراق و به‌خصوص گروه‌ها و جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در عراق بعد از سقوط رژیم بعث وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و سازمانی خود شده‌اند و جایگاه، نقش و رویکرد آنها در عراق به‌شدت متحول شده است و در مقایسه با سایر اقوام و مذاهب و همچنین گروه‌های غیرمذهبی از جایگاه مهم‌تر و برتری برخوردار شده‌اند. براین‌اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش و جایگاه گروه‌های شیعه در ساختار سیاسی عراق پس از فروپاشی (۲۰۱۵ - ۲۰۰۳) می‌باشد.

واژگان کلیدی

اهل سنت، کردها، شیعیان، عراق نوین.

phirouz.najaphi@gmail.com

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

javadamam@yahoo.com

hamid.nassaj@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۴

*. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

** . دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

***. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

****. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۵

طرح مسئله

امپراتوری عثمانی به‌عنوان نماد جهان اسلام پس از پایان جنگ جهانی اول براساس توافقات وزرای خارجه بریتانیا و فرانسه سایکس و پیکو تجزیه گردید و جغرافیای سیاسی خاورمیانه دست‌خوش تغییر و تحول قرار گرفت. براساس مفاد یکی از این توافقات سه ولایت بصره، بغداد و موصل در سال ۱۹۲۰ میلادی به یکدیگر متصل و کشور عراق تأسیس و قیمومیت آن به دولت بریتانیا واگذار گردید؛ موضوعی که از همان ابتدا با مخالفت شیعیان مواجه و انقلاب ۱۹۲۰ شیعیان به رهبری مراجع دینی علیه آن شکل گرفت اما با مداخله دولت بریتانیا این انقلاب ناکام ماند. کشور جدید عراق مرکب از اقوام و گروه‌های مختلف بود که مهم‌ترین آنها شیعیان، اهل سنت و کردها بودند. فرایند دولت - ملت‌سازی در این کشور به‌دلیل مداخله خارجی، ساختار قبیله‌ای عراق و عدم آمادگی گروه‌های سیاسی این کشور سیر طبیعی خود را طی نکرد و به همین دلیل همیشه موضوع ملت‌سازی و وحدت ملی در این کشور با چالش مواجه بود.

پس از استقلال عراق در سال ۱۹۳۲ سیر تحولات به سمتی پیش رفت که به‌تدریج اهل سنت علیرغم قرار داشتن در اقلیت با کمک دولت‌های خارجی موفق شدند از طریق کودتای نظامی قدرت را در این کشور به دست بگیرند، حادثه‌ای که نقطه عطف آن کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ بود. رهبران حزب بعث سیاست سرکوب را در قبال دو گروه دیگر یعنی اکثریت شیعی و اقلیت کرد به‌کار گرفتند. سیاست سرکوب دولت مرکزی در قبال شیعیان و محروم کردن آنها از حضور در ساختار سیاسی قدرت سبب گردید تا به‌تدریج شیعیان با تشکیل سازمان‌ها و احزاب، سیاست خود را سازمان‌دهی و درصدد مقابله با نظام حاکم برآیند که اولین بار با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و دومین بار در سال ۱۹۹۳ پس از پایان جنگ نفت اول در خلیج فارس بود که دولت بعثی صدام به‌شدت قیام شیعیان را سرکوب کرد اما ناکارآمدی شیعیان در سال‌های ۱۹۲۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۳ هیچ‌گاه سبب نگردید تا از عزم و اراده آنها کاسته گردد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط دولت صدام این فرصت را در اختیار نیروهای شیعی قرار داد تا برای نخستین بار از طریق آموزه‌های دموکراتیک به قدرت برسند و در فرایند انتقال قدرت در عراق، تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات، تشکیل پارلمان و استقرار دولت نقش اساسی را داشته باشند. اما بررسی تحولات عراق بیانگر این مهم است که گروه‌های شیعی در برخی مقاطع به‌دلیل عملکرد رقابت‌های درونی و نگاه جدید به یکدیگر براساس بازی با حاصل جمع صفر و نه مضاعف عملکرد موفقی نداشتند. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای محور اصلی پژوهش حاضر را این سؤال تشکیل می‌دهد که گروه‌های شیعی در فرایند انتقال قدرت و دولت‌سازی در عراق چه نقشی در ساختار سیاسی نوین ایفا کرده‌اند و عملکرد آنها در مقاطع مختلف به چه صورت بوده است و مضافاً اینکه برای مقابله با مشکلات فراروی آنها در فرایند دولت‌سازی چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد؟

هدف از نگارش مقاله حاضر پاسخ به سؤالات مطرح شده به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد.

ادبیات پژوهش

در زمینه تبیین نقش و جایگاه گروه‌های شیعی عراق در ساختار سیاسی این کشور پژوهشی جامع و کامل صورت نگرفته است و اکثر این مطالعات به صورت جزئی و گزارشی به این امر پرداخته‌اند. در زیر به پژوهش‌های صورت گرفته که در ارتباط با موضوع حاضر می‌باشد اشاره می‌شود:

طاهری کل کشندی و تقی زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور» ابتدا به اجمال جریان‌های شیعی اسلام‌گرای عمده در عراق، یعنی «حزب الدعوه»، «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «جریان صدر» و «حزب فضیلت» را معرفی می‌کنند، سپس در بخش دوم، با بیان تحولات عمومی و راهبردی ایجاد شده در عراق، نوع رویکرد اتخاذ شده جریان‌های عمده شیعی عراق را تجزیه و تحلیل می‌نمایند. آنها به این نتیجه رسیدند که امروزه اندیشه سیاسی شیعی پس از مسلط شدن بر رأس قدرت عراق، با استفاده از مفاهیم جدید در این عرصه، سهم عمده‌ای در اداره عراق نوین و نقش الهام‌بخش برای شیعیان عرب در کشورهای اسلامی و عربی داشته است.

فلاح (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق» به بررسی نقش گروه‌های شیعی در قدرت، بعد از سقوط صدام می‌پردازد. از دیدگاه وی جامعه عراق دارای ترکیب قومی و مذهبی فعالی است که از مداومت تاریخی و عمق ژئوپلیتیک برخوردار است. در این میان، شیعیان عراق از جایگاه متمیزی نسبت به سایر اقوام و مذاهب و نیروهای سیاسی - اجتماعی این کشور برخوردار است، تا جایی که بعد از سرنگونی صدام قدرت سیاسی عراق از طریق روندهای مردم‌سالارانه به دست شیعیان افتاده است. در محیط سیاسی شیعیان عوامل و شرایط مختلفی وجود دارد که برخی از آنها در راستای تقویت قدرت و نفوذ شیعیان (کثرت جمعیت، موقعیت ژئوپلیتیک در جهان تشیع، فقه شیعه و تأثیرگذاری قدرت شیعه در عراق، سازمان‌دهی جریان‌های شیعه و کنش هدف‌مند آنها در محیط سیاسی عراق) و برخی نیز در راستای تضعیف موقعیت آنها (رادیکالیسم سنی و اتخاذ راهبردهای امنیتی علیه شیعیان، ناسیونالیسم کردی و اگر، اختلاف بین گروه‌های شیعیان و عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محدودکننده) نقش آفرینی می‌کند.

خرمشاد و نادری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش حزب الدعوه الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق» به بررسی گفتمان اسلام‌گرای جنبش شیعی عراق و حرکت اجتماعی - سیاسی مبتنی بر آن می‌پردازند. این پژوهش اشاره می‌کند که رویدادهایی چون گستره اندیشه‌های کمونیستی و ناسیونالیستی و پس از آن روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ و سرکوب سازمان یافته شیعیان و اعمال تبعیض‌های

آشکار، گفتمان جنبش شیعی عراق و حوزه‌های علمیه را وادار به نوزایی در اندیشه سیاسی و حوزه تفکر کرد که تجسم آن را می‌توان در آرای شهید صدر و تشکیلات حزب الدعوة الاسلامیه و مبارزه بیش از چهار دهه‌ای آن به‌عنوان گفتمان مقاومت، در برابر گفتمان‌های قدرت دید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان جنبش شیعی، با گذر از مرحله انقلابی و ورود به بخش جدید (گفتمان پساصدام)، هنوز نتوانسته آن‌چنان که بایسته است، طرحی ویژه از حکومت شیعی در ساختار پیچیده جامعه عراق طراحی و اجرا کند و این به ضعف این گفتمان در عرصه نظریه‌پردازی باز می‌گردد.

اشمیت^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مذهب در سیاست، مطالعه موردی شیعیان عراق» به بررسی نقش گروه‌های شیعی عراق در سیاست‌گذاری عراق جدید می‌پردازد. از دیدگاه وی شیعیان عراق که در دوره صدام از مشارکت در سیاست محروم بودند در دوره جدید با توجه به خلأ ایجاد شده در هرم قدرت مشارکت بیشتری در سیاست داشتند. وی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا شیعیان به دنبال ایجاد یک حکومت اسلامی در عراق هستند؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند آرمان گروه‌های شیعی آن است که یک حکومت شیعی را در رأس عراق جدید روی کار بیاورند ولی با توجه به فضای رقابتی بین گروه‌های شیعی، سنی و احزاب کردی و شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسی عراق این هدف با مشکل مواجه می‌شود.

فولر (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های اسلام‌گرا در عراق پس از صدام حسین» می‌نویسد که اسلام‌گرایی، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی سیاست مسلمانان نقش عمده‌ای در کشورهای عربی و به‌ویژه در آینده سیاسی عراق بازی می‌کند. یک خلأ اخلاقی و ایدئولوژیکی بزرگ اکنون در عراق پدید آمده است و اسلام به‌عنوان یک قطب‌نمای اخلاقی جدید برای مردم ارائه شده است. از دیدگاه وی رقابتی ایدئولوژیکی بین شیعه و سنی در دوران پساصدام در حال شکل‌گیری است که با حمایت قدرت‌های منطقه‌ای همراه است. اسلام سنی که برای مدت‌ها در زمان صدام حسین حاکمیت را در دست داشت برای مدتی قدرت آن رو به خاموشی می‌رود اما دوباره با حمایت وهابی‌ها و عربستان در عراق ظهور خواهد کرد و تا حدودی منعکس‌کننده رشد بنیادگرایی در جای دیگری از جهان اسلام است با این حال در عراق جدید شاهد ظهور قدرت شیعیان خواهیم بود.

فولر و فرانکه^۲ (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «شیعیان عراق» به بررسی وضعیت شیعیان در طی دوره حکومت بعثی می‌پردازند. در این پژوهش نگارنده با توجه به اکثریت مطلق جمعیت شیعه در عراق و محرومیت آنها از مشارکت سیاسی، به تاریخچه و نقش سیاسی - اجتماعی شیعیان پرداخته و چالش‌های پیش روی حکومت استبدادی عراق را بررسی می‌نماید. نگارنده با ارائه شواهدی، پارادوکس موجود در حاکمیت عراق را نشان داده و دوام آن را مورد تشکیک قرار می‌دهد.

1. Schmitt.

2. Fuller & Franck.

مطالعات صورت گرفته درباره این موضوع نتوانسته‌اند به کنکاش درباره نقش و جایگاه گروه‌های شیعی عراق در ساختار سیاسی این کشور بپردازند. عموماً بحث‌ها در سطح کلی گویی قرار دارند و نتوانسته‌اند بسترهای اجتماعی شکل‌گیری این گروه‌ها را تبیین کنند. این پژوهش سعی کرده است با بررسی تاریخی و موردی به تحلیلی عمیق و واقع‌بینانه از کارکرد گروه‌های شیعی در عراق ارائه دهد و به‌گونه‌شناسی این گروه‌ها بپردازد. در پژوهش حاضر سعی شده است تا از کتب و مقالاتی که در رابطه با موضوع هستند به‌طور مطلوب استفاده به عمل آید و مباحثی که در تحقیقات گذشته به آن پرداخته نشده است را بررسی کند و خلأ تحقیقات موجود را بکاهد.

امروزه تقریباً هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که بتواند مدعی داشتن اجتماعی همگن به لحاظ فرهنگی باشد. گوناگونی فرهنگی پدیده‌ای است که حتی اگر ارزشمند هم شمرده نشود، یک واقعیت انکارناپذیر و محو ناشدنی است که اثرات گسترده خود را بر ساختارها و رفتارهای هر اجتماع بر جای گذاشته و می‌گذارد (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۲) به عقیده اندیشمندان حوزه تنوع فرهنگی، به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی از طریق اعطای حقوق شهروندی چند قومی، به انسجام کامل جوامع کمک می‌کند؛ درحالی‌که الگوی همگون‌سازی و جذب، موجب محرومیت کسانی می‌شود که با فرهنگ مسلط انطباق ندارند. به نظر کمیلکا^۱ بر خلاف آنچه نظریه‌پردازان همگون‌سازی از آن وحشت دارند، حقوق فرهنگی خاص به هیچ‌وجه به شقاق و گسیختگی جامعه منجر نمی‌شود، بلکه اقلیت‌ها را قادر می‌سازد تا به‌طور کامل در یک جامعه چندفرهنگی مشارکت نمایند. (نش، ۱۳۸۷: ۲۲)

تنوع قومی، زبانی و مذهبی از مؤلفه‌ها و عناصر اصلی عراق به‌عنوان یک جامعه چندفرهنگی است؛ کارهای ناقص و پرورش نیافته این عناصر، زمینه‌های قوام و دوام روح وحدت ملی در این کشور را کم‌رمت ساخته است. تأکید بر پابندی‌های قومی - قبیله‌ای، پافشاری بر ارزش‌ها و خرده فرهنگ‌های تباری و مقدم شمردن پندارهای مذهبی بر آیین‌های هم‌بستگی دینی و تابو ساختن نمادهای عشیره‌ای به جای سمبل‌های ملی، از جلوه‌های آشکار پرورش نیافتگی و نقصان روح ملی به‌شمار می‌رود که نمایه‌های ساختار موزاییکی را در واحد سیاسی عراق تبلور بخشیده است؛ فرایند چنین تعاملی، برجستگی علائم و جلوه‌های فرهنگ و دل‌بستگی‌های قومی - عشیره‌ای و مذهبی در این کشور بوده است.

نقش و جایگاه گروه‌های شیعه در ساختار سیاسی عراق تا سال ۲۰۰۳ م.

در گذشته به استثنای دوران آل بویه در قرن چهارم که تشیع را برای همیشه در بین‌النهرین سفلی مستقر کرد، شیعیان همواره تحت سلطه قدرت سیاسی سنی‌های حاکم بر بغداد می‌زیسته‌اند. با توجه به فشار

1. Kemileka.

گسترده رژیم‌های حاکم بر عراق در مقاطع مختلف و نابرابری‌هایی که در رأس حاکمیت عراق نسبت به شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل داده بودند، صورت گرفت و عدم مشارکت سیاسی آنان در سرنوشت سیاسی کشور از یک سو و فشار گسترده‌ای که رژیم بعث از سال ۱۹۶۸ م. به شیعیان وارد آورد از سوی دیگر دست به دست هم دادند تا زمینه شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض متعددی از شیعیان پدیدار گردد. جماعة العلماء یکی از این گروه‌ها بود که در سال ۱۹۵۸ م. با هدف پل زدن بین اسلام و افشار گوناگون امت پایه‌گذاری شد. این تشکل پاسخی بود به فشارهای فزاینده رژیم بعثی، تفکرات روبه‌رشد کمونیستی و گرایش‌ها و احساسات ناسیونالیسم افراطی که موجی از گرایش‌های اسلامی را به رهبری شیخ مرتضی آل یاسین در شیعیان عراق به وجود آورد (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۵۳) انگیزه تشکیل این گروه، بیشتر اعتقادی بود و نه سیاسی (دادفر، ۱۳۸۸: ۲۶) به همین خاطر این جماعت فعالیت‌های خود را از امور فرهنگی آغاز نمود (ویلی، ۱۳۶۳: ۵۶) به هر تقدیر در اثر بروز اختلاف در بین این جماعت، که از ابتدای دهه ۱۹۸۰ شروع شد، در اواسط دهه ۱۹۹۰ چراغش به خاموشی گرایید و تنها نامی از آن بر جای مانده است. (مریجی، ۱۳۸۷: ۸۷)

یکی دیگر از این گروه‌ها، حزب الدعوه الاسلامیه بود که در سال ۱۹۵۷ تأسیس شد. حزب الدعوه پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، از حمایت آیت‌الله العظمی محسن حکیم برخوردار شد (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۲۲۵ - ۲۲۴) هسته اولیه حزب را شخصیت‌های مشهوری چون سید محمدباقر صدر و سید مهدی حکیم تشکیل می‌دادند (ادیب و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۱) در سال ۱۹۷۰ م. پس از وفات سید محسن حکیم، علامه سید محمدباقر صدر به تدریج رهبری معنوی حزب را برعهده گرفت. فعالیت‌های حزب با زعامت علمای مزبور موج جدیدی در عراق ایجاد کرد، به گونه‌ای که رژیم بعثی فشارهای خود علیه شیعیان به خصوص بر این حزب را افزایش داد تا جایی که ۷۳ تن از رهبران و اعضای فعال حزب را در سال ۱۹۷۴ م. دستگیر و تعدادی از اعضای برجسته آنها را به شهادت رساند. (سمیر، ۱۳۷۰: ۳۹)

با پیروزی انقلاب اسلامی سید محمدباقر صدر بر آن شد تا راه امام خمینی را در بسیج مردمی و دوری از حزب‌گرایی بپیماید؛ از همین رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تظاهراتی در تأیید انقلاب در نجف برپا شد که ایشان محرک اصلی آن بود. همین امر و قیام آشکار آقای صدر و تحریم عضویت در حزب بعث سبب شد وی دستگیر شود و انتفاضه رجب به وجود آید که منجر به آزادیش گردید، ولی پس از آن نظام بعث، که عوامل انتفاضه را شناسایی کرده بود، به دستگیری و اعدام ایشان دست زد. در رأس این افراد آقای صدر و خواهرش، اعدام شدند (الحکیم، ۲۰۰۰: ۱۲) پس از شهادت سید محمدباقر صدر و پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های حزب الدعوه الاسلامیه وارد مرحله جدیدی شد و باعث به وجود آمدن انشعاباتی داخل حزب گردید.

سازمان عمل اسلامی یکی دیگر از گروه‌های شیعی بود که آغاز فعالیت آن به سال‌های میانی دهه ۶۰ میلادی بر می‌گردد. انجام فعالیت‌های فرهنگی، از جمله توزیع کتب و مدیریت حوزه‌های علمیه این سازمان در

سوریه (زینبیه) و ایران (قم، تهران و اصفهان) از عمده‌ترین فعالیت‌های این گروه می‌باشد. (مریجی، ۱۳۸۷: ۹۳)

«مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» از جریان‌های اسلام‌گرای میانه‌رو شیعه در کشور عراق است که در نوامبر ۱۹۸۲ م. توسط «محمدباقر حکیم» تشکیل شد. این سازمان، خود را نماینده تمام مردم مسلمان عراق از شیعه و سنی تعریف کرد و جمهوری اسلامی را پایه و اساس انقلاب اسلامی جهانی خواند (آدمی و ابراهیمی پور، ۱۳۹۳: ۱۲۱) این مجلس با هدف ایجاد مرکز ثقلی برای ارتقای هم‌گرایی بین گروه‌ها و اشخاص مستقل معارض اسلامی عراق تشکیل شد و به دنبال ایجاد هم‌گرایی و وحدت در رهبری معارضان عراقی علیه رژیم بعثی، تدوین استراتژی فعالیت‌های معارضان و حل مشکل آوران عراقی بود. مشی اساسی فعالیت‌های این مجلس، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی بود و در وهله بعد - تا زمان سقوط رژیم بعثی - بر تحرکات نظامی تأکید داشت. در شرایط کنونی، رویکرد اساسی آن با توجه به اکثریت شیعی جمعیت عراق، پیگیری نهادینه‌سازی فرایندهای دموکراتیک در عراق می‌باشد. (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۷۰ - ۱۶۶)

نقش و جایگاه گروه‌های شیعه در ساختار سیاسی عراق پس از فروپاشی (۲۰۱۵ - ۲۰۰۳)

رویدادهای ۱۱ سپتامبر نظام بین‌الملل را دگرگون کرد و روندهای تازه‌ای را پس از جنگ سرد رقم زد. این رویدادها بیشترین تأثیر را بر خاورمیانه داشت. در این میان عراق یکی از کشورهایی بود که بیشترین تأثیرات را از این رویداد پذیرفت. در سال ۲۰۰۳ رژیم صدام به بهانه داشتن جنگ‌افزارهای هسته‌ای هدف تهاجم نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا قرار گرفت و کمتر از ۲۰ روز سرنگون شد. با فروپاشی رژیم بعثی، ساختار سیاسی عراق نیز دچار تغییرات گسترده‌ای شد و شاهد نوعی جابه‌جایی قدرت بین اثرگذاری شیعیان و اهل سنت در ساختار جدید هستیم. بنابراین منظور از ساختار سیاسی عراق نوین فرایند فروپاشی رژیم صدام حسین و شکل‌گیری حکومت جدید مرکب از قوای سه‌گانه می‌باشد.

با سقوط رژیم صدام و ساختار سیاسی حاکم مبتنی بر حزب بعث، فرایند انتقال قدرت در عراق شروع گردید؛ فرایندی که شامل حکومت انتقالی، تشکیل دولت موقت برای تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات و در نهایت شکل‌گیری دولت جدید در عراق مبتنی بر قوای سه‌گانه بود. وقوع این تحول یعنی سقوط رژیم صدام و فرایند دولت‌سازی جدید در عراق، از مرحله انتقال قدرت تا شکل‌گیری قوای سه‌گانه مبتنی بر قانون اساسی جدید این فرصت را در اختیار گروه‌های شیعی قرار داد تا از انزوا و عزلت خارج شده و با استفاده از فرصت فراهم شده در ساختار جدید ایفای نقش کنند. راهکار سیاسی آنها علی‌رغم حضور در احزاب و سازمان‌های مختلف حمایت از راهکار دموکراتیک و مراجعه به آراء عمومی برای نیل به هدف بود؛ راهکاری که شاید دلیل اصلی آن در اکثریت بودن شیعیان از نظر تعداد در ترکیب جمعیتی عراق بود.

حاصل چنین سیاستی شکل‌گیری نظام جدید سیاسی عراق تحت عنوان حکومت فدرال دموکراتیک

عراق است. این ساختار جدید در قالب قانون اساسی جدید دائمی عراق تلاش کرده است که تا حد امکان مبتنی بر مقتضیات قومی - قبیله‌ای و یا به تعبیر دیگر مبتنی بر دو شکاف عمده قومی و مذهبی در عراق (اکراد اعراب و شیعیان و اهل سنت) دو مقوله قدرت و ثروت را به صورت منصفانه تقسیم کند. به تعبیر دیگر هر کدام از اقلیت‌های قومی یا مذهبی عراق در شرایط کنونی ساختار فدرال عراق می‌توانند به نسبت وزن اجتماعی خود از این ساختار قدرت منتفع شوند. ساختار سیاسی جدید عراق متشکل از یک مجلس نیابتی مقننه که مجریه و قضائیه را انتخاب می‌کند و یک دولت فدرالی همراه با استان‌های خودمختار تشکیل شده است. نخست‌وزیر قدرتمندترین در میان ارکان سه گانه است. مردم با آراء مستقیم نمایندگان پارلمان را تعیین می‌کنند و پارلمان موظف است رئیس جمهور و نخست وزیر را انتخاب و تأیید صلاحیت کند.

براساس اعلام وزارت برنامه‌ریزی عراق در سال ۲۰۱۵، جمعیت این کشور بالغ بر ۳۴ میلیون نفر بود. شیعیان بزرگ‌ترین گروه جمعیتی عراق را تشکیل می‌دهند. براساس منابع مختلف حدود ۶۰ الی ۶۵ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲ الی ۳۷ درصد عرب سنی و ۳ درصد مسیحی و پیروان دیگر ادیان هستند (باقری، ۱۳۹۲؛ قاسمی، ۱۳۸۹؛ رضایی، ۱۳۸۴؛ تلاشان، ۱۳۸۹) با وجود اکثریت بودن شیعیان در عراق، از لحاظ سیاسی شیعه همواره در این کشور در اقلیت بوده است (توال، ۱۳۸۴: ۸۱) و تحت حاکمیت قدرت‌های سیاسی و سنی‌های حاکم بر بغداد می‌زیسته‌اند (رشید، ۱۳۸۶: ۸۶) ولی پس از جنگ آمریکا علیه عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، به حصر سیاسی و اجتماعی شیعیان پایان داده شد، به طوری که امروزه آینده عراق با مسئله شیعه گره خورده است. (باقری، ۱۳۹۲: ۱۳۹)

اولین گام در مرحله جدید فعالیت‌های سیاسی شیعیان عراق و مشارکت فعال آنها در قدرت هنگام تشکیل شورای حکومت انتقالی عراق بود که ۱۳ نفر از مجموع ۲۵ نفر وزیر در آن مشارکت داشتند یعنی رقمی در حدود ۵۲ درصد از تعداد کل اعضای کابینه به شیعیان تعلق گرفت و بعد از آن در اولین دوره انتخابات پارلمانی که در دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد ائتلاف یکپارچه عراق که با تأکیده‌های آیت‌الله سیستانی تشکیل شد ۶۵ درصد آراء را کسب کرد. این ائتلاف که شامل چهار حزب اصلی الدعوه، مجلس اعلاى انقلاب اسلامی، جریان صدر و حزب فضیلت اسلامی و برخی احزاب و شخصیت‌های دیگر بود توانست ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴۲) بعد از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵، روند تشکیل دولت بسیار پیچیده بود و با وجود ائتلاف بین گروه‌های شیعی و کرد عراقی، توافق بر سر پست‌های ریاست جمهوری عراق، نخست‌وزیری و اعضای کابینه چندین ماه به طول انجامید و سرانجام جلال طالبانی سنی مذهب به‌عنوان رئیس‌جمهور و نوری مالکی شیعه مذهب به‌عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب شدند. بدین ترتیب پارلمان عراق با ترکیب خود که غالباً در دست شیعیان بود مدت ۵ ساله خود را تا سال ۲۰۱۰ به پایان رساند و طی این دوره مأموریت‌های مختلفی از جمله تعیین رئیس‌جمهور، تعیین رئیس

پارلمان و بازسازی بسیاری از نهادهای دولتی این کشور را برعهده داشت.

در مارس ۲۰۱۰ دومین انتخابات عراق پس از سقوط صدام برگزار شد و ۱۲ ائتلاف و نهاد سیاسی برای به دست آوردن ۳۲۵ کرسی پارلمان به رقابت پرداختند. در این انتخابات لیست العراقیه تحت رهبری اباد علاوی، توانست بیشترین کرسی‌ها یعنی ۹۱ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی را به دست آورد. این لیست که شامل سنی‌ها، شیعیان، سکولارها و بعضی‌های درجه دو و سه است، نماینده بخش سنی جمعیت عراق محسوب می‌شود و صالح مطلق، رهبر جبهه گفتگوی ملی و طارق الهاشمی، رهبر لیست تجدد از مهم‌ترین اعضای آن به‌شمار می‌رود. بعد از لیست العراقیه، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی با ۸۹ کرسی، توانست دومین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق باشد. این ائتلاف هرچند یکی از دو ائتلاف منتخب جامعه شیعی است، با این حال شامل برخی از احزاب سنی مانند جبهه ملی نجات انبار نیز می‌باشد و سعی کرده است تا خود را ملی و فرافرقه‌ای و فرامذهبی نشان دهد. ائتلاف سوم پیروز، ائتلاف ملی عراق است که در برگزیده احزاب عمده شیعی از جمله مجلس اعلاى انقلاب اسلامی به رهبری عمار حکیم، جریان صدر به رهبری مقتدا صدر، حزب فضیلت به رهبری الهاشمی، کنگره ملی عراق به ریاست احد چلبی و جریان اصلاحات به ریاست ابراهیم جعفری توانست در انتخابات ۷۰ کرسی را از آن خود کند. ائتلاف کردستان عراق متشکل از دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان، با کسب ۴۳ کرسی چهارمین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق به‌شمار می‌رود. اما سایر احزاب کردی از جمله حزب گوران یا تغییر به ریاست نوشیروان مصطفی با ۸ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان با ۴ کرسی و جماعت اسلامی کردستان با ۲ کرسی، موفقیت‌هایی را کسب کردند. در مجموع احزاب کُرد ۵۷ کرسی از ۳۲۵ کرسی مجلس نمایندگان عراق را به دست آوردند. نوری مالکی به نمایندگی از ائتلاف شیعیان و کردها مأمور به تشکیل کابینه گردید و از میان وزارت خانه‌های دولت جدید ۱۷ وزارتخانه به شیعیان، ۹ وزارت خانه به فهرست العراقیه، ۸ وزارت خانه به ائتلاف کردستان و دیگر احزاب رسید. (سیلاوی، ۱۳۹۳: ۳)

نتایج انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۰ نشان‌دهنده این است که علایق و تمایلات رأی‌دهندگان عراقی کماکان بر مبانی فرقه‌ای و قومی است. بدین معنی که دو ائتلاف عمدتاً شیعی دولت قانون و ائتلاف ملی عراق از استان‌ها و مناطق شیعی، لیست العراقیه با بدنه احزاب سنی از مناطق سنی‌نشین و احزاب کردی از مناطق کردنشین رأی کسب کرده‌اند. بر این اساس می‌توان عنوان کرد که اولین ویژگی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ تداوم جنبش ائتلاف‌ها براساس شکاف‌های قومی - فرقه‌ای و تناسب میزان قدرت و جایگاه گروه‌ها با میزان جمعیت‌های سه‌گانه شیعی، سنی و کُرد است. در این راستا، مجموع دو ائتلاف شیعی قانون و ائتلاف ملی عراق اندکی کمتر از نیمی از کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص داده‌اند و با ائتلاف و هماهنگی با یکدیگر توانستند نخست وزیر و بدنه اصلی دولت را تعیین نمایند. (سیلاوی، ۱۳۹۳: ۳)

در انتخابات ۳۰ آوریل سال ۲۰۱۴ نیز سه جریان و ائتلاف اصلی شیعیان یعنی ائتلاف الاحرار (جریان صدر) نزدیک به صدر ۲۸ کرسی، ائتلاف المواطن با محوریت حزب مجلس اعلاى اسلامی و به رهبری عمار حکیم ۲۹ کرسی و سرانجام ائتلاف دولت قانون که نوری مالکی از حزب الدعوه اسلامی عهده‌دار رهبری آن است ۹۲ کرسی را به دست آوردند. همچنین مهم‌ترین پست نظام سیاسی عراق، یعنی نخست‌وزیری (آباد علاوی، ابراهیم جعفری، نوری مالکی و حیدر عبادی) و نیز بیشترین تعداد وزارتخانه‌ها در ساختار سیاسی نوین همگی از شیعیان عراق بوده‌اند. جدول زیر سهم هر یک از گروه‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی عراق در انتخابات پارلمانی سه دوره گذشته را نشان می‌دهد:

سهم گروه‌ها و احزاب سیاسی در دوره‌های مختلف انتخابات پارلمانی در ساختار سیاسی عراق نوین

انتخابات پارلمانی	تعداد کرسی‌ها	ائتلاف‌ها و سهم آنها از کرسی‌ها
اولین دوره انتخابات پارلمانی (۱۵ دسامبر ۲۰۰۵)	۲۷۵	ائتلاف ملی عراق ۱۲۸ کرسی، ائتلاف دموکراتیک میهنی کردستان ۵۳ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان ۵ کرسی، جبهه توافق عراق (شامل گروه‌های سنی حزب اسلامی عراق، تجمع مردم عراق، شورای گفتگوی ملی عراق) ۵۵ کرسی، ائتلاف میهنی عراق ۲۵ کرسی، احزاب و شخصیت‌های دیگر ۹ کرسی
دومین دوره انتخابات پارلمانی (۷ مارس ۲۰۱۰)	۳۲۵	ائتلاف العراقيه (متشکل از اعراب سکولار شیعه و سنی) ۹۱ کرسی، ائتلاف دولت قانون ۸۹ کرسی، ائتلاف ملی عراق ۷۰ کرسی، اتحاد کردستان ۴۳ کرسی، حزب گوران ۸ کرسی، جبهه توافق ۶ کرسی، وحدت عراق ۴ کرسی، اتحاد اسلامی کردی ۴ کرسی، جامعه اسلامی کردی ۲ کرسی، اقلیت‌ها ۸ کرسی
سومین دوره انتخابات پارلمانی (۳۰ آوریل ۲۰۱۴)	۳۲۸	ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری مالکی، ۹۲ کرسی، فراکسیون مواطن (شهروند) به رهبری عمار حکیم، ۲۹ کرسی، فراکسیون الاحرار وابسته به جریان صدر ۲۸ کرسی، فهرست متحدون به رهبری اسامه نجیفی ۲۳ کرسی، ائتلاف الوطنیه به رهبری آباد علاوی ۲۱ کرسی، حزب دموکرات کردستان، به رهبری مسعود بارزانی ۱۹ کرسی، حزب اتحادیه میهنی کردستان، به رهبری جلال طالبانی ۱۹ کرسی، ائتلاف العربیه، به رهبری صالح مطلق ۱۰ کرسی، حزب کُرد تغییر (گوران) به رهبری نوشیروان مصطفی ۹ کرسی، ائتلاف اصلاح وطنی، به رهبری ابراهیم جعفری ۶ کرسی، هم‌پیمانی کردستانی در نینوی ۶ کرسی، ائتلاف الفضیله ۶ کرسی، ائتلاف دیاله هویتنا ۵ کرسی، ائتلاف العراق ۵ کرسی، اتحاد اسلامی کردستان ۴ کرسی، جماعت اسلامی ۳ کرسی، جریان النخب وابسته به جریان صدر ۳ کرسی، ائتلاف مدنی دموکراتیک ۳ کرسی، تجمع شراکت ملی ۳ کرسی، ائتلاف نینوی وطنم

انتخابات پارلمانی	تعداد کرسی‌ها	ائتلاف‌ها و سهم آنها از کرسی‌ها
		۳ کرسی، ائتلاف وفا به الانبار ۳ کرسی، جبهه ترکمان کرکوک ۲ کرسی، ائتلاف وفای عراق ۲ کرسی، تجمع الکفائت والجماهیر ۲ کرسی، فهرست السلام کردستان ۲ کرسی، شورای ملی کلدانی سریانی آشوری ۲ کرسی، فهرست وحدت فرزندان عراق ۲ کرسی، فهرست رافدین ۲ کرسی، ائتلاف صلاح الدین وطنم ۱ کرسی، ائتلاف بدیل وطن مستقل من ۱ کرسی، ائتلاف اعراب کرکوک ۱ کرسی، فهرست کرامه ۱ کرسی، فراکسیون الصادقون ۱ کرسی، جریان دولت عادل ۱ کرسی، حزب الدعوه الاسلامی / شاخه درونی ۱ کرسی، ائتلاف ملی صلاح الدین ۱ کرسی، فهرست همبستگی عراق ۱ کرسی، ائتلاف اخلاص ۱ کرسی، جنبش ایزدی‌ها ۱ کرسی فهرست ورکا دموکراتیک ۱ کرسی، حارث شنشل سنید الحارثی ۱ کرسی، شورای آزادگان الشبک ۱ کرسی.

به‌طور کلی می‌توان گفت شیعیان در دوران حکومت انتقالی، دولت موقت، تشکیل پارلمان، تصویب قانون اساسی و مقابله با بحران‌های داخلی پس از سقوط صدام توانستند عملکرد مثبتی از خود نشان دهند (چیو، ۲۰۱۱: ۱۹) با بررسی نقش و جایگاه جریان‌های عمده شیعی در عراق، مشاهده می‌شود که امروزه اندیشه سیاسی شیعی پس از مسلط شدن بر رأس قدرت عراق، علی‌رغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌های کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، سهم عمده‌ای در ساختار سیاسی عراق نوین برعهده داشته است. در زیر به بررسی جریان‌های عمده شیعی در عراق پس از سقوط رژیم بعثی پرداخته می‌شود.

۱. حزب الدعوه الاسلامیه

با تهاجم آمریکا و سقوط رژیم استبدادی صدام حسین در ۹ آوریل ۲۰۰۳، فرصتی در اختیار «حزب الدعوه» قرار گرفت تا دیدگاه خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی را به اجرا گذارد. بنابراین، رهبران و بسیاری از اعضای این حزب به کشور خود بازگشتند و به ایفای نقشی پیشرو در برآوردن «ولایت امت» برای عراق و نیز تلاش برای آشتی دادن عراقی‌ها به زندگی به‌رغم فجایع متحمل شده از طریق صدام اقدام کردند. در آن تاریخ، ابراهیم جعفری به‌عنوان دبیرکل «حزب الدعوه» به نمایندگی از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغال‌گران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آنها نیز تأکید کرد (لطیف، ۱۳۹۰: ۲۶۷) پس از تشکیل شورای حکومتی در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳ رهبر برجسته و دبیرکل حزب، یعنی ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۵ عراقی‌ها به

1. Chew.

ابراهیم جعفری نخست وزیر دموکراتیک انتخاب شده دولت موقت عراق رأی دادند. پس از وی، در ۲۰ مه ۲۰۰۶ نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست وزیر به مدت ۲ دوره ۴ ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م انتخاب شد (طاهری کل کشوندی و تقی زاده داوری، ۱۳۹۳: ۱۳۱). همچنین پس از نخست وزیری نوری مالکی، پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست وزیر، در نهایت حیدر العبادی، که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری «حزب الدعوه» را در کارنامه خود داشت، در اوت ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد. تأمل در عملکرد حزب الدعوه به‌ویژه شخص ابراهیم جعفری بیانگر این مهم است که این حزب علی‌رغم سوابق ایدئولوژیک آن، در صحنه سیاسی عراق حزبی عمل‌گراست و سعی کرده است با اتکاء به رقابت‌های دموکراتیک در صحنه عراق فعال باقی بماند.

۲. مجلس اعلاى اسلامی عراق

مجلس اعلاى اسلامی عراق یکی از گروه‌های تأثیرگذار در ساختار سیاسی عراق است که با وجود از دست دادن دو رهبر اصلی خود، یعنی شهید سید محمدباقر حکیم و مرحوم عبدالعزیز حکیم، به رهبری فرزند جوان سید عبدالعزیز یعنی سید عمار حکیم، به کار خود ادامه می‌دهد. این تشکل در انتخابات ۲۰۱۰ م. رهبر ائتلاف ملی شناخته شد، اما سرانجام با وجود اینکه در ائتلاف خود بیش از جریان صدر رأی آورد فقط ۲۰ کرسی مجلس را از آن خود کرد. در انتخابات ۲۰۱۴ نیز ائتلاف شهروند به ریاست عمار حکیم بود. حزب الدعوه و مجلس اعلاى عراق جزء گروه‌های اسلام‌گرای اهل تشیع در عراق هستند که می‌کوشند از طریق راهکارهای مسالمت‌آمیز و مذاکره و با استفاده از ظرفیت‌های مدنی، اهداف خود را پیش برند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۹). هدف از تأسیس مجلس اعلا در اوایل دهه ۱۹۸۰ درواقع تمرکز دادن به نیروهای جهادی عراق به همکاری اعضای حزب الدعوه علیه رژیم بعث بوده است. اما بعد از مدتی، اختلافات آن با اعضای حزب الدعوه افزایش یافت و تعدادی از گروه‌های وابسته به آن، مجلس اعلا را ترک کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، مجلس بیشتر به طرفداران آیت‌الله «سید محمدباقر حکیم» اختصاص یافت. پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، الدعوه بار دیگر به مجلس اعلا پیوست و اکنون این دو تشکل مهم در کنار یکدیگر، برای آینده عراق به همکاری می‌پردازند و به‌عنوان دو حزب منظم و با قدرت در ساختار سیاسی عراق حضور دارند (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۴۲). تجزیه و تحلیل عملکرد مجلس اعلا و به‌ویژه رهبران آن یعنی خانواده حکیم بیانگر این مهم است که این سازمان سیاسی در عراق به‌شدت درصدد است تا حتی الامکان از تفرقه‌افکنی پرهیز و چنان وانمود کند که مستقل عمل می‌کند و به هیچ کشور خارجی وابسته نیست.

۳. جریان صدر

منظور از «جریان صدر»، همان جریان «مقتدی صدر» است. پس از ترور سید محمدباقر صدر در سال ۱۹۸۰ عراق، جریانی منسوب به صدر به رهبری «سید محمدصادق صدر» روی کار آمد. این حرکت با تکیه بر میراث جهادی و حمایت گسترده مردم آغاز شد (لطیف، ۱۳۹۰: ۱۴۱) «مقتدی صدر» فرزند «محمدصادق صدر» است که در سال ۱۹۹۹ به دست عوامل صدام ترور شد. علی‌رغم اینکه بسیاری از تحلیل‌گران غربی مقتدی صدر را فاقد مشخصات لازم برای رهبری شیعیان می‌دانند، ولی در شرایط فعلی از پشتیبانی قشر وسیعی از مردم عراق برخوردار است. طرفداران وی اغلب جوانان تنگدستی هستند که فقر و بدبختی خویش را به اشغال‌گران، به‌ویژه آمریکا نسبت می‌دادند. مقتدی صدر شرط کنار گذاشتن مشی مبارزه علیه اشغال‌گران را بیرون رفتن آنها از عراق می‌دانست. او نفوذ زیادی در میان عشایر دارد. مقتدی از میان جوانان، سپاهی تحت عنوان «جیش‌المهدی» راه اندازی کرده است. او مسائل عراق و فلسطین را مرتبط و مشترک اعلام می‌کند و از این طریق، خود را در صحنه کشورهای عربی قرار می‌دهد. صدر اعلام کرده است «ما به فلسطینیان و سایر ملت‌های ستمدیده در خاور نزدیک اطمینان می‌دهیم که نبرد خواهیم کرد و بر ستمگران پیروز خواهیم شد.» همچنین، او خود را حامی حماس و حزب الله معرفی کرده است. مقتدا صدر با این ویژگی‌های خود، حمایت قشر عظیمی از ناراضیان سنی، به‌ویژه در فلوجه را نیز به خود جلب کرده است (آدمی و ابراهیم پور، ۱۳۹۳: ۱۲۷) برخلاف مجلس‌اعلای اسلامی و حزب الدعوه این جریان مشی رادیکال را دنبال می‌کند و جریانی رادیکال به حساب می‌آید. عملکرد جریان مقتدی صدر تاکنون در مسیر تحولات پس از عراق به دلیل صبغه رادیکالی آن سبب گردیده است تا در میان گروه‌های شیعه اختلاف بروز کند. این گروه باید نقش مرجعیت آیت‌الله سیستانی در عراق را پذیرفته و با محوریت آن سیاست‌های خود را تنظیم کند.

۴. حزب فضیلت اسلامی

«حزب فضیلت اسلامی» در ماه می ۲۰۰۳ تأسیس شد و مقر اصلی آن در بغداد است، ولی شهر بصره از مهم‌ترین جایگاه‌ها برای این حزب محسوب می‌شود؛ زیرا تعداد زیادی از پیروان آیت‌الله محمد یعقوبی آنجا هستند (لطیف، ۱۳۹۰: ۲۸۹) آیت‌الله محمد یعقوبی مرجع برجسته شیعی، از جمله صدریان میانه‌رو است که به تفکر دو شهید سید محمدباقر و سید محمدصادق صدر پایبند است. وی رهبر معنوی «حزب فضیلت» است. اعضای این حزب گرچه از پیروان ایدئولوژی آیت‌الله سید محمدصادق صدر محسوب می‌شدند، اما از الزام عاطفی، که یاران مقتدی صدر انتخاب کرده بودند، خیلی دور بودند و مقتدی صدر را به‌عنوان رهبر جریان قبول ندارند و به‌ویژه پس از تندروی‌های صدر از این گروه جدا شدند (اسدی، ۱۳۸۶: ۳۹) وی طرح‌های عملی را برای تأثیر در زندگی سیاسی و اجتماعی اتخاذ کرده (لطیف، ۱۳۹۰: ۶۲) و فعالیت شهید سید محمدصادق صدر را ادامه داد و با ایجاد «دانشگاه علوم دینی صدر» (با ۱۳ رشته)

در بغداد و استان‌های منطقه جنوبی، حمایت‌های لازم را برای ادامه کار به‌دست آورد. با جذب گروهی از اندیشمندان، مسئولیت اداره فعالیت‌های اجتماعی و دینی حوزوی با مدیریت و نظارت شیخ محمد یعقوبی بر فعالیت‌های اداری، تعلیم و پرورش افراد در حزب ادامه دارد. پس از سقوط دیکتاتوری در ۲۰۰۳/۴/۹ به رهبری ایالات متحده که از زمان اشغال عراق می‌گذشت، حزب «فضیلت» مؤسسه و پایوران خود را برای فعالیت به داخل عراق گسیل داشت (طاهری کل کشوندی و تقی زاده داوری، ۱۳۹۳: ۱۳۳) بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که این حزب اگرچه میراث آیت‌الله صدر است اما اکنون از جریان مقتدی صدر به‌دلیل برخی اقدامات رادیکالانه وی از این جریان فاصله گرفته و بیشتر درصدد کادرسازی از طریق فعالیت فرهنگی و علمی می‌باشد.

۵. آیت‌الله سید علی سیستانی

پس از درگذشت آیت‌الله خوئی، آیت‌الله سیستانی مرجعیت شیعیان عراق را برعهده گرفت. ایشان در حال حاضر چهره با نفوذ حوزه‌های علمی شیعه در این کشور محسوب می‌شود، در واقع آیت‌الله سیستانی در حال حاضر، رهبری دینی شیعیان را به عهده دارد و مرجع تقلید شیعیان در عراق به‌شمار می‌رود. وی علاوه بر عراق، در پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای خلیج فارس، شیعیان اروپا، آمریکا و ایران نیز مقلدانی دارد. آیت‌الله سیستانی در ۱۵ آذر ۱۳۸۲ آمریکا را مجبور کرد تا نسبت به اصلاح طرح انتقال قدرت به مردم عراق اقدام کند. وی همچنین در دیدار با جلال طالبانی رئیس‌جمهوری عراق، عنوان کرد: ما با یاد یک نظام دموکراتیک و مردم‌سالار در عراق مخالفتی نداریم بلکه بر ضرورت ایجاد چنین نظامی تأکید هم می‌کنیم. آیت‌الله سیستانی یکی از مهم‌ترین طیف‌های فکری را در حوزه نجف تحت کنترل و هدایت دارد، رویکرد اصلی حوزه نجف به مرجعیت آیت‌الله سید علی سیستانی، تقيه بوده است چراکه در دوران صدام، سکوت مؤثرترین شیوه زنده ماندن و حفظ ذخایر انسانی حوزه بود. در این سنت، به‌دلیل تجربه تاریخی و بافت جامعه عراق مرجعیت نجف مخالف دخالت مستقیم حوزه در امور سیاسی بوده است و تلاش نموده تا این دو با یکدیگر درهم آمیخته نشود از همین‌رو حوزه تنها در موارد ویژه بحرانی، به اعلام موضع صریح و قاطع متوسل شده است. رعایت این اصل از سوی آیت‌الله سیستانی باعث شد از رویارویی مستقیم با صدام در امان بماند. با وجود اینکه ایشان رهبری گروهی سیاسی را برعهده ندارند، بسیاری از علما و شیعیان عراق به‌ویژه میانه‌روها، به مشروعیت وی باور داشته و برای وی جایگاه منحصر به فردی در تحولات عراق نوین قائل هستند (بخشی، ۱۳۹۰) لذا به نظر می‌رسد آیت‌الله سیستانی سعی کرده است با نوعی سیاست ارشادی نه تنها رابطه خود را با همه گروه‌های شیعی حفظ کند بلکه آنچه برای وی مهم است حفظ تمامیت ارضی عراق و استقلال آن با حضور همه گروه‌های قومی و مذهبی در صحنه سیاسی عراق است.

نتیجه

کشور عراق با موقعیت کنونی خود محصول سیاست‌های دولت‌های استعماری فرانسه و انگلستان بود که بعد از پایان جنگ جهانی اول بر روی جغرافیای سیاسی ظاهر گردید. نقش نیروهای خارجی در تحولات سیاسی عراق سبب گردید تا دولت - ملت‌سازی در این کشور سیر طبیعی خود را طی نکند و نهادسازی با مداخله دولت‌های خارجی به‌ویژه انگلستان صورت گیرد. همین موضوع سبب گردید تا گروه‌های قومی و مذهبی به‌ویژه شیعیان، اهل سنت و کردها نسبت به یکدیگر دارای نوعی واگرایی باشند. سپردن زمام امور سیاسی به دست اهل سنت و نادیده گرفتن نقش شیعیان، علی‌رغم در اکثریت بودن آنها سبب گردید تا این گروه نسبت به دو موضوع مداخله خارجی و محرومیت‌های سیاسی و اقتصادی نقش اپوزیسیون را در عراق ایفا کنند. تعارض با دولت مرکزی همراه با ایجاد نهادهای مدنی توسط گروه‌های دیگر به تدریج شیعیان را ترغیب به نهادسازی در قالب احزاب و جریان‌های سیاسی کرد. لازم به یادآوری است که نهادها و سازمان‌های شیعی به شدت تحت تأثیر و گاه هدایت رهبران مذهبی و حتی مراجع تقلید بودند. تلاش‌های شیعیان برای تغییر ساختار سیاسی اوایل دهه اول هزاره سوم به دلیل سیاست سرکوبگرانه دولت بعثی راه به جایی نبرد. تهاجم دوم آمریکا و متحدانش به عراق پس از وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر و سرنگونی رژیم صدام این فرصت را در اختیار گروه‌های شیعی در عراق قرار داد تا در روند انتقال قدرت و دولت‌سازی به ایفای نقش پردازند؛ فرایندی که احزابی مانند حزب الدعوة و مجلس اعلا همراه با نقش آیت‌الله سیستانی به عنوان مرجع تقلید در آن غیرقابل انکار است. اما علی‌رغم این موفقیت و رقابت سیاسی نخبگان شیعی عراقی با یکدیگر براساس بازی با حاصل جمع صفر همراه با اقدامات تحریک‌آمیز گروه صدر سبب گردیده است تا تداوم ثبات سیاسی عراق با چالش مواجه گردد؛ لذا پیشنهادات ذیل جهت تداوم بقای نقش گروه‌های شیعی در حیات سیاسی عراق پیشنهاد می‌گردد:

۱. وحدت تمامی گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های شیعه عراقی، یکی از عناصر مهم افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنها است. با توجه به عوامل و موانع موجود، ضروری است همواره در جهت حفظ وحدت کوشا باشند. به عبارت دیگر اتحاد رهبران دینی و گروه‌های سیاسی و همدلی و هم فکری علمای بزرگ در عراق از جمله مقتدی صدر، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله حکیم و دیگر مراجع دینی می‌تواند افق روشنی در ثبات سیاسی عراق به وجود آورد.

۲. تعامل جریان‌های عمده شیعی عراق با نیروهای خارج از کشور و استفاده از تجربیات سیاسی آنها از جمله جمهوری اسلامی ایران برای ترسیم آینده سیاسی عراق؛

۳. تلاش در جهت هم‌گرایی و وفاق بیشتر با دیگر جریان‌های سیاسی در عراق هم چون سنی‌ها و کردها؛

۴. تلاش جهت افزایش خودباوری، آگاهی و بینش سیاسی جامعه شیعی به واسطه عواملی چون حضور

مستمر مرجعیت و حوزه‌های علمیه در صحنه تحولات عراق، توسعه آموزش، گسترش شهرنشینی و غیره؛
۵. با توجه به نقش بی‌بدیل مرجعیت شیعه و قدرت و نفوذ آنها در جامعه عراق، حمایت و اطاعت از مرجعیت بسیار مهم است.

بالا بردن سطح فرهنگ سیاسی - اجتماعی مردم با کمک وسایل ارتباط جمعی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات گوناگون و کتاب‌های متعدد، با این شیوه روحیه خودباوری و ظلم‌ستیزی در مردم تقویت خواهد شد. با توجه به حمایت گسترده کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی از گروه‌های جهادی - تکفیری مانند القاعده و داعش برای ایجاد ناامنی در عراق، جریان شیعی باید رضایت اعراب سنی را جلب کرده و درصدد رفع تبعیض برآید تا به روند اتحاد و وفاق گروه‌های مختلف در ساختار سیاسی عراق همچون کردها و اعراب سنی خدشه‌ای وارد نشود. به جرأت می‌توان گفت که میلیاردها دلار برای حمایت از گسترش تروریسم در عراق هزینه شده و تلاش می‌شود تا جلوی روند کنونی گرفته شود. برای این کار تقریباً می‌توان گفت که بدون استثنا، دولت‌های عربی با جریان تروریسم القاعده‌ای در عراق همکاری می‌کنند و در مقابل، آمریکا نه‌تنها قادر به جلوگیری از آن نیست، بلکه قادر به درک درست وضعیت هم نیست. در اینجا است که وظیفه گروه‌های شیعی خطیر می‌باشد و باید با درک درست این وضعیت جلوی این اقدامات را سد کنند. چراکه بدون هیچ‌گونه تردیدی، شکست دولت کنونی عراق، شکست بزرگی برای شیعیان خواهد بود. با بررسی مواضع و رویکردهای آمریکا، انگلیس، عربستان، ترکیه و بعضی از طیف‌های داخلی در عراق به وضوح درمی‌یابیم که دست‌هایی درهم تنیده شده بود تا نظم سیاسی و حقوقی عراق که محصول مجاهدت همه طیف‌های شیعی، سنی و کردی بود را درهم بشکنند و نوعی آنارشیسم را جایگزین آن کرده و از آشفته بازار عراق به منافع و مطامع خود دست پیدا کنند.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی و حوا ابراهیمی پور، ۱۹۳، «جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی جدید عراق»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۴۶، ص ۱۴۰ - ۱۰۷.
۲. ادیب، عادل و سیدحسین موسوی، ۱۳۸۳، حزب الدعوة اسلامی (پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی)، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۳. اسدی، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، «شیعیان و اسلام‌گرایی در عراق پس از صدام؛ جریان‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات خاورمیانه (۸) ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی، ابرار معاصر تهران.
۴. باقری، حسین، ۱۳۹۲، «بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره نوزدهم، ص ۱۶۵ - ۱۳۵.

۵. بخشی، امیررضا، ۱۳۹۰، *جریان‌شناسی سیاسی شیعیان عراق نوین*، قابل دسترسی در سایت: <http://afkarenow.ir/2011/12/29/%D8%AC%D8%B1/>
۶. برنا بلداجی، سیروس، ۱۳۸۳، «شیعیان عراق؛ بررسی وضعیت جامعه‌شناختی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۷، ص ۱۸۵ - ۱۴۷.
۷. تقی زاده، معصومه، ۱۳۸۸، *موانع تثبیت فدرالیسم در عراق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۸. تلاشان، حسن، ۱۳۸۹، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۳۱، ص ۱۲۸ - ۱۰۹.
۹. توال، فرانسوا، ۱۳۸۴، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه کتابیون باصر، تهران، انتشارات ویستار.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۸۰، *جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام*، قم، انتشارات انصاریان.
۱۱. حسینی بهشتی، علیرضا، ۱۳۸۰، *بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی*، تهران، بقعه.
۱۲. حکیم، سید محمدباقر، ۲۰۰۰، *نظریه العمل سیاسی عند الشهید السید محمدباقر الصدر، الامام الشهید محمدباقر الصدر سمو الذات و خلود العطاء، بیروت، الغدیر.*
۱۳. خرمشاد، محمدباقر و احمد نادری، ۱۳۹۰، «نقش حزب الدعوه الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۳۳، ص ۲۰۰ - ۱۶۷.
۱۴. دادفر، سجاد، ۱۳۸۸، «جماعه‌العلماء، احیاگر هویت سیاسی شیعیان عراق»، *تاریخ در آینه پژوهش*، شماره چهارم.
۱۵. دکمچیان، هرایر، ۱۳۷۷، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان.
۱۶. رشید، غلامعلی، ۱۳۸۶، *نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه موردی: ایران نسبت به عراق)*، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۷. رضایی، مائده، ۱۳۸۴، «حقوق سیاسی زنان در کشورهای اسلامی»، *فصلنامه تخصصی بانوان شیعه*، شماره ۷ - ۶.
۱۸. سمیر، الخلیل، ۱۳۷۰، *جمهوری وحشت*، ترجمه احمد تدین، تهران، طرح نو.
۱۹. سیف زاده، حسین، ۱۳۷۹، *عراق، ساختارها و فرایندهای گرایش‌های سیاسی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۰. سیلاوی، حمید، ۱۳۹۳، *انتخابات مجلس عراق، نتایج و پیامدها*، قابل دسترسی در سایت:
<http://shooshan.ir/fa/news/18456/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3>
۲۱. شوقی البغدادی، خالد، ۲۰۱۱، *دراسة فی بنية الأحزاب الشيعية الرئيسية فی العراق*، دمشق، رند.
۲۲. طاهری کل کشوندی، مسلم و محمود تقی زاده داوری، ۱۳۹۳، «رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۴۸، ص ۱۴۸ - ۱۲۷.
۲۳. فلاح، رحمت‌الله، ۱۳۹۱، «برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق»، *مجله پانزده خرداد*، شماره ۳۴، ص ۲۱۸ - ۱۹۳.
۲۴. فولر، گراهام ای و رند رحیم فرانکه، ۱۳۸۳، «شیعیان عراق»، ترجمه خدیجه تبریزی، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۶، ص ۱۸۹ - ۱۵۶.
۲۵. قاسمی، محمدعلی، ۱۳۸۹، «بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱، ص ۵۸ - ۳۷.
۲۶. لطیف، حسن، ۱۳۹۰، *دائرة المعارف احزاب در عراق*، ترجمه سید عدنان محقق، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۷. مریجی، شمس‌الله، ۱۳۸۷، *مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۸. ناظمیان، رضا، ۱۳۸۱، *جریان‌های سیاسی معاصر عراق*، تهران، مؤسسه فرهنگی کتاب و عترت.
۲۹. نش، کیت، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
۳۰. ویلی، جویس، ان، ۱۳۶۳، *نهضت اسلامی شیعیان عراق*، ترجمه مهوش غلامی، تهران، مؤسسه اطلاعات.
۳۱. ویستا، ۱۳۹۵، *بررسی جریان‌های سیاسی مذهبی در عراق*، قابل دسترسی در سایت:
<http://vista.ir/article/267557/%D8%A8%D8%B1%>.
32. Chew, K, 2011, Middle East: Protests in Egypt, Syria, Yemen, in www.care2.com.
33. Schmidt, S, 2009, The role of Religion in Politics the case of Shia Islamic in Iraq, *Nordic Journal of Religion and Society*, 22 (2): 123-143.
34. Fuller, G. E., 2003, *Islamist politics in Iraq after Saddam Hussein*, United States Institute of Peace.